



## پیشگویی مدت سلطنت ناصر الدین شاه

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1380 - شماره 41 و 42  
از 10 تا 13

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92307>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

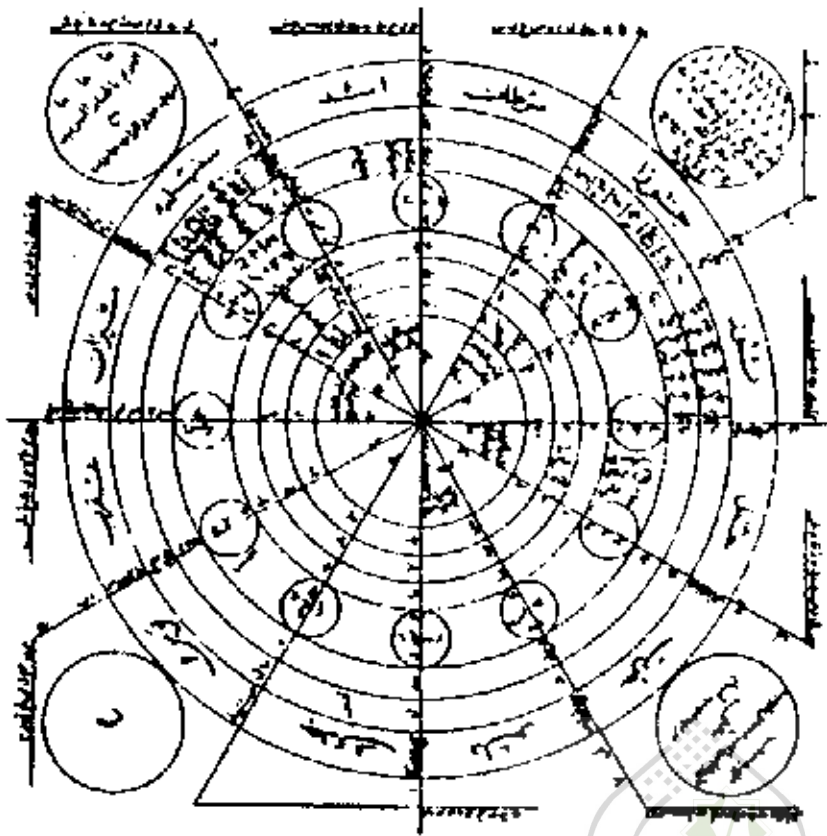
تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# پیشگویی مدت سلطنت ناصرالدین شاه

علی کریمیان



که یک در زیجه وقت و حکم از روی آن دور قمری از نخستین (رحل) در تاریخ که شرح داده می شود و از اختیار متفرقه کتب اسلامی، معلوم می شود که در دوره ساسانی نه تنها زیجه طالع جلوس هر پادشاهی را منحصر به دفع تعیین نموده و بلکه آن را در خزانه اسناد دولتی هم ضبط می کرده اند. در دوره های بعدین این زیجه جلوس و تاجگذاری درج شده، اما درباره تولد و به تحت تسلط ناصرالدین شاه و زیجه او که مورد بحث مقاله می باشد، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب «المآثر و الآثار» می نویسد: تولد ناصرالدین شاه در شب یکشنبه ششم هلالی شهر حتم المنظر سنه ۱۲۲۷ قمری ناقصه هجریه عقبه آلاف الشاه و التحبه مطابق هفدهم ژوئیه سنه ۱۸۴۱ م. ناقصه میلادی مقدار چهار ساعت و یک ربع از شب مسطور گذشته به افق قریه کهنسیر که از قری و مضافات تبریز است و به خط مستقیم هندسی تقریباً مقدار یک فرسخ و نیم در جانب جنوب تبریز و به حسب مسافت در چهار فرسخی آن واقع شده و طول مدارش شرقی آن از جراتو خاندات ۶۴ درجه و ۴۲ دقیقه و عرض آن از خط سواسی و هشت درجه و پنج دقیقه است.

چون مسافت مابین موضع ولادت با سعادت و تبریز بر حسب بعد چندان محسوس نیست منجمین این دولت جاوید این همان قانون دارالسلطنه تبریز را ملاحظه کرده استخراج طالع ولادت با سعادت را به افق شهر تبریز نموده اند و طالع ولادت با سعادت بر حسب زیج جدید محمدشاه هندی بصورتی است که در ذیل ثبت و تحریر یافته،

آنچه در ابتدای زندگی بشر تا تکریم اجرام سماوی اعلام شده، هرگز به صورت علمی شکوفا و مفید در آمده است، لیکن در این عقیده که حرکات این اجسام می تواند بر زندگی بشر متمرکز کند و هنوز تجربی حاصل نشده است، البته اعلام دوازده گانه ستاره خورشید گشته می شود و در غالب پیشگویی های مبتنی بر رصد ستاره ها سعی در این است، اما این احساس را به انسان القاء نکند که خواندن اعلام مزبور ساده است، اما کسب اطلاعات دقیق و معنی دار از این اعلام مستلزم تحسین و رعایت جزئیات دقیق تر خواهد بود (۱) و برای تسلط دادن مواضع ستارگان در فلک از زیجه که لوحه ای مربع یا دایره وارست استفاده می شود تأیری است. آوردن حکم اطلاع امولد ولادت، زایش او و چیزهای دیگر به آن بنگرند در علم نجوم شکی که دارای دوازده خانه است و از آن حالات ماه و سال مولود استخراج می شود، به این شکل که منجم در اول ماه یا سال یا تولد یا حادثه طالع وقت را می بیند چه برجی است و آن را در خانه اول قرار داده، بیاورد برج دیگر را در یازده خانه دیگر نوشته هر کجاست سیاره در هر برجی باشد در خانه آن ثبت کرده و با اصول علم نجوم از آن استخراج می کند (۲). در کتاب گاه شماری تقی زاده آمده است: از جمله مسائل نجومی ظاهر اطلاع بینی یا زیجه و احکام آن در ایران قدیم رواج کامل داشته و برای هر امر حادث، زیجه ای ترتیب داده و استخراج احکام می نمودند، چنانکه در کتابنامه اردشیر در حکایت فرار او از دربار اردوان دو بار مراجعه منجم بزرگ (اخترماران سالار یعنی منجم باشی) به مواقع

«اللهم ابد عیثه وابد حیثه»

اعلام اسلام و ترویج سنت میرالمومنین علیه السلام کارهای بزرگ  
توانند کردن که به یک هست بلند ملت و دولت خود را بزرگ کنند و  
خویششان را به نیکنامی سمر گرداند و نفس خود را به فخر اید و لذت جاوید  
رساند و ایرانیان را از مذلت بی ترتیبی برهاند...

در صفحه ۸۲ نیز نوشته: «... الهی پادشاه ما را محبت رسول و آل ده  
و پسر و قبال سلطنت چهل و هشت سال ده و مسنکت رایه کم شاه دار  
و سنطنت در اولاد و حضرتش نگاهدار و السلام خیر ختام (۶)». اما  
یکی دیگر از کسانی که مدت سلطنت ناصرالدین شاه را پیشگویی

کرده، میرزا محمد ولی قاجار (۷) سومین پسر  
فتحعلی شاه (۸) است. در آن زمان در میان مردم شهر  
داشت که او از مغیبت خبر می دهد (۹). وی در

سال ۱۲۸۱ ق طی نامه به ناصرالدین شاه - که  
منن کامل در این مقامه خواهد آمد در این  
بازه می نویسد: «... از طول عمر و طول

سلطنت عرض رفته بود به خاکپای  
مبارک عربس کرده که منجمین سابقین  
در طابع حلوس سلاطین عرض ها

کرده اند. در دولتهای گذشته و مدنیا  
معین کرده اند... اکنون فراغتی از  
ناخوشی دست داده مکور رجوع

کردم از کسب و قواعد منجمین  
سابقین آنچه فهمیده ام... به فضل  
خداوند بعد از این تاریخ که سه یک

هزار و دوویست و هشتاد یک است:  
چهل و نه سال و هفت ماه و چند  
روزی سلطنت زیب قامت مبارک

می باشد... و در آخر نامه مجدداً بر  
مدت سلطنت تأکید می کند و می نویسد:  
«... در این مدت چهل و نه سال و

هفت ماه بر سریر سلطنت، با سلامتی و  
قوت و شوکت و عزت و غلبه بر  
خصم ممکن و برقرار خواهد بود (۱۰)»...

ناصرالدین شاه در روز ۲۳ ذیقعده ۱۲۶۴ ق،  
در تهران تاجگذاری کرده بود، بنابراین روز ۲۳ ذیقعده  
۱۳۱۳ ق، اولین روز پنجاهمین سال سلطنتش می شد. از

زمان این سال مذاکراتی پیرامون برنامه این جشن پنجاهمین سال  
سلطنتش شنیده می شد و هر قدر به ماه ذیقعده نزدیکتر می شد، جزئیات  
آن بیشتر در افواه متسر می گشت. از روز شنبه ۱۸ ذیقعده این جشن ها

شروع و در روز جمعه ۲۴ همین ماه می بایست پایان می یافت. ادارات  
دولتی مشغول تدارک مقدماتی آذین بندی سب درهای عسارت خود بودند  
و مقرر شده بود تمام دکاهای بازار و خیابان ها را چهلچراغ و جار و لاله

و لامپ و آینه و کن و سیزده تزیین شود. در روز جمعه ۱۷ ذیقعده ناصرالدین

و در مورد جلوس ناصرالدین شاه می نویسد: در شب یکشنبه ۱۸ هلالی  
شهر شوال ۱۲۶۴ ق. ناقصه هجریه مطابق ۱۷ ماه سپتامبر ۱۸۴۸

م. به قی دار السلطنه تبریز مقدار بیست دقیقه تمام از غروب نصف قرص  
آفتاب شب مسطور گذشته بر حسب تعیین و تشخیص ساعت سعدی که  
منجمین دیده و به عرض رسانیده اند سپس در میقامبر سال ۱۸۸۸ م. که

تقریباً موافق است با اوایل سنه ۱۳۱۶ هجری که سال مالیف این کتاب  
مستطاب می باشد، چهل سال شمسی از دوران ابدیتیان گذشته  
خواهد بود و صورت زایچه وقت جنوس بر وجهی است

که در ذیل ثبت و ضبط گردیده، «اللهم خلد سنکه و  
اخر فی بچار السعاده فلکه (۳)»  
سپس وسائل حرکت شاه جوان به سعی

میرزا تقی خان امیر نظام فراهم شد و از تبریز  
به تهران آمده او در ۲۳ ذیقعده ۱۲۶۴ ق.  
در سن هفده سال و چند ماهگی بر

تخت سلطنت نشست، و امیر نظام به  
لقب «ابابک اعظم» به منصب  
صدارت منصوب شد (۵). و

همانطور که زایچه توند و  
جلوس ناصرالدین شاه توضیح  
داده شد؛ پیشگویی های نیز درباره

مدت سلطنت ناصرالدین شاه نیز  
وجود دارد، که یکی از آنها در  
مجموعه کتب خطی کتابخانه

مجلس شورای اسلامی جزوه  
کوچکی در هشتاد و دو صفحه و  
به نفع رفعی که در سال یازدهم

سلطنت ناصرالدین شاه نوشته شده و  
بنام «سیاست و اداره امور» نامیده شده  
است و آن دستوری در زمینه اداره

امور مملکت و قوانین موضوعه که در  
صفحات ۲۵ و ۸۳ آن مدت  
سلطنت ناصرالدین شاه را پیشگویی کرده است.

کتاب به خط نستعلیق و نویسنده خط و کتاب نیز  
معلوم نیست و در ذیل، مطالبی را که در صفحات آن  
ذکر شده آمده است نقل می کنیم: «... الحمد لله که در میان جوانی

و عنوان سیانده و مقتدین از باب تجسیم و متبحرین صناعت احکام از  
روی شخصین در ست حضرتش را سلطنت چهل و هشت سال اثبات کند

و انشاء الله تعالی از عمر و اقبال و اولاد بر جوردار خواهد بود و امروز  
که یازده سال از سلطنت سینه اش گذشته هور قدم از سن عمده دوم به

عقدسیم اندر نهشته و در مدت سی و هفت سال که بعد از این با  
حضرتش خواهد بود به راهماتی اقبال و مساعدت باید دی تجلات در



عبدالحسین اورنگ (۱۲) درباره وقایع روز جمعه و کشته شدن ناصرالدین شاه و طالع گرفتن وی در روز قبل به نقل از تاج الدوله (جده معیرالممالک و زن ناصرالدین شاه) نقل می کند، که ایشان گفتند: صبح روز جمعه (۱۳) ذی قعدة (۱۳۱۳) هجری قمری میان اطاف خود در اندرون شاه نشسته بودم و چند نفر زن زودوز از کلیمی و مسلمان نشسته بودند و سرداری یعنی جامه شاه را برای شب جشن قرنش که جنس آن ماهوت سیاه بود و جلوسه و اطراف بقه و سرآستین هایش را با نشانه گل و بته طراحی کرده بودند در حضور من روی طرح طراحها جواهر می دوختند و جمعه جواهر جلوی من بود، سفره سفیدی میان اطاف گسترده جامه شاه روی آن و هر طرفش در دست یکی، و هر یک از آنها که به جواهری محتاج بود از من می خواست و من جواهر طرف احتیاج را می دادم و می دوختند. ناگهان مقداری خاک روی جامه شاه و سفره ریخت، همه متوحش شدیم. سرها را بلند کردیم دیدیم شاه از میان حیاط با صدای بلند می خندد و می گوید تاجی تو را سخت مشغول دیدم از خاک باغچه برداشته ریختم که تو ترسی و بعد شاه گفت تاجی امروز خیلی خوشحالم چه زایچه طالع مرا که دیده اند پنجشنبه دیروز را برای من قرآن تعس معین کرده اند که اگر از آن نحوست به سلامت گذشتم پنجاه سال دیگر سلطنت خواهم کرد. الحمدلله ما دیروز را به سلامت بسر آوردیم و امروز به شکرانه آن به زیارت حضرت عبدالعظیم می رویم، (۱۳)....

اما همانطور که گفته شد ناصرالدین شاه صبح همان روز (۱۷ ذی قعدة) به قصد زیارت حضرت عبدالعظیم از تهران حرکت کرد، در حدود یک ساعت به ظهر مانده به همراه امین السلطان - صدر اعظم - و عده ای از عمه جات درباری که در خدمت شاه بودند به حرم وارد شدند. معمولاً رسم بر این بود هر وقت شاه به زیارت می رفت، حرم را قرق می کردند که اشخاص متفرقه وارد نشوند، در این روز شاه سفارش کرده بود متعرض کسی نباشند و خود در میان مردم مشغول زیارت خواندن شد بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم مراجعت کرد و مقابل ضریح ایستاد که باز هم دعا بخواند، در همین حین صدای طبلانچه ای سکوت را شکست و گلوله میرزا رضا کورمانی، شاه را از پای در آورد (۱۵). و میرزا علی اصغر خان صدر اعظم با کمال چابکی چنانکه کسی ندانست که شاه کشته شده، جنازه را به تهران حمل کرد (۱۶).

سیس در روز شنبه ۱۸ ذی قعدة جنازه شاه را به تکیه دولت که در طرف جنوب باغ شاهی واقع است، از شب گذشته به امر صدر اعظم در طاقنمای بزرگ تکیه که از طرف جنوب و قبله تکیه واقع است، روی تختی که از سنگ مرمر سفیدی که روی نوزده پایه از سنگ مرمر قرار دارد قبری ساخته بودند گذاشتند و پس از آن به پیشمازی امام جمعه (امام ناصرالدین شاه) نماز گزارده و به امانت در آن جایه خاک سپرده شد (۱۷).

بعد از یکسال جنازه وی را در روز پنجشنبه ۱۹ شهر ذی قعدة با تشریفات زیاد به حضرت عبدالعظیم حمل و به خاک سپرده شد (۱۸).

## [مسوده سند]

هو

قربان خاکپای مبارک جواهر آسایت کردم

در ده شهر محرم الحرام در خاکپای مبارک از طول عمر دعای گوی فدیم دولت حاجی محمد ولی قاجار و طول سلطنت عرض رفته بود به خاکپای مبارک عرض کرده که منجمین سابقین در طالع جلوس سلاطین عرض ها کرده اند در دولتهای گذشته و مدتها معین کرده اند. چون این عرض به خاکپای مبارک شده بود با این که حقیر سالها می باشد که به هیچ قسم در این امر دقتی نکرده بودم چون رای مبارک شاهنشاه عجم را ملاحظه کرده رجوع نمودم و دقت کردم و عرض او به سبب گرفتاری ناخوشی به حضور مبارک تعویق افتاد اکنون که اندک فراغت از ناخوشی دست داده مکرر رجوع کردم از کتب و قواعد منجمین سابقین آنچه فهمیده ام این است که به خاکپای مبارک عرض می شود بدون ملاحظه خیالی این دعاگو چنین فهمیدم که به فضل خداوند بعد از این تاریخ که سه یک هزار و دوست و هشتاد و یک است چهل و نه سال و هفت ماه و چند روزی سلطنت زیب قامت مبارک می باشد. به فضل خداوند عالم و مرحمت جناب رسالت ماب حضرت سیدالبشر و ائمه اثنا عشر صلوات الله علیه و علیهم اجمعین انشاء الله در این مدت چهل و نه سال و هفت ماه بر سر سلطنت با سلامتی وقوت و شوکت و عزت و غلبه بر خصم ممکن و برقرار خواهد بود. باقی جانم به قربان خاکپای مبارکت.

عیده محمد ولی

## پی نوشت ها:

- ۱- فیلیپ وارینگ، فرهنگ خرافات (عجیب ترین خرافات مردم جهان)، ترجمه و گردآوری مهتدی احمد حجازان، تهران، ناشر مترجم، ۱۳۷۱، ص ۳۷.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد هشتم، تهران، ناشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۱۰۹۶.
- ۳- همان، ص ۱۱۰۹۶.
- ۴- محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۳۶.
- ۵- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد اول، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱، چاپ سوم، ص ۶۵.
- ۶- وحیدنیه سیم، الله - پیشگویی عدت سلطنت ناصرالدین شاه، و حید، سال هفتم، شماره پنجم، اردیبهشت ۱۳۴۹، ص ۵۹۵.
- ۷- محمدولی میرزا سومین پسر فتحعلی شاه در روز جمعه اول شوال ۱۲۰۳، ق در قضیه نواتولد شد و در سن یازده سالگی به حکومت سمنان و در سال ۱۲۱۸، ق در

سین هیجده سالگی به حکومت خراسان منصوب شد وی در ایام به سرداری حسین خان سردار قاجار قزوینی از توکمه که به حدود خراسان تخطی و تجاوز می کردند جلوگیری و آنان را سرکوب کرد. از حوادث و وقایع مهم امان ایالت محمدولی میرزا در خراسان، آمدن فیروزالدین میرزا حاکم هرات به اتفاق صوفی اسلام - از مشایخ بزرگ فرقه نقشبندیه - به تحریک بیگانگان به سمت مشهد است، آنان به خیال خود قصد اشغال آن توأسی را داشتند. از این رو فیروزالدین در سال ۱۲۲۲ ق. برای گرفتن خراسان با لشکری زیاده از پنجاه هزار نفر از هرات به سمت مشهد حرکت کرد. اما در این هنگام محمدولی میرزا و محمدخان قاجار دو نوسر دار خراسان پیشدستی کرده به سمت هرات حرکت کردند، و قبل از این که فیروزالدین دست به اقدامی بزند، محمدولی با لشکر مجبوری خود راه شکیان - ۳۶ کیلومتری هرات - رسانید و در محل قریه شاده جنگ بین دو سپاه در گرفت. در این جنگ صوفی اسلام کشته شد و فیروزالدین با دادن شش هزار کشته و هشت هزار اسیر شکست خورده و فراری شد.

در سال ۱۲۳۱ ق. ترکمن های تکه به دست خواران یعنی: نساو ایبورد هجوم آوردند و محمدولی میرزا به اتفاق سرکردگان خراسان به آن صفحات رفت و به اندک مدتی تکه ها را شکست داد. وی در بهار سال ۱۲۳۶ ق. برای گوشمالی کامران میرزا والی هرات عازم آن شهر شد و پس از بازگرداندن آرامش به آن شهر به مشهد باز گشت.

در سال ۱۲۳۸ ق. خوابه کاشغر پسر محمدامین خوابه ابن الشمس یوسف شروع به خودسری کرد و با قریان قلیچ ترکمان که مرید او بود هم بیعتان شده، رهسپار دست ترکمان شد و در آن جا از طایفه یموت و گوگلان دور او جمع شدند، و فتحعلی شاه ذوالفقارخان سردار، محمدولی میرزا و محمدقلی میرزا حکمران طبرستان را برای سرکوبی آنان مامور کرد که در این جنگ سپاه خوابه کاشغر شکست خورد. در این زمان خوانین خراسان با هم متفق شده به مخالفت با محمدولی میرزا پرداختند و کینه به حدی رسید که تصمیم به قتل وی گرفته شد.

در همین سال (۱۲۳۹ ق) اسمعیل خان دامغانی به سمت (فرماندهی لشکر ابرامان تعیین و محمدولی میرزایه تهران فراخوانده شد و در نظر بود که به جای وی حسنعلی میرزا (شیخالدوله) پسر دیگر فتحعلی شاه به ایالت خراسان منصوب شود. اما بعد شاه نظر به ملاحظاتی چند از تصمیم و قصد خود منصرف شده و دوباره محمدولی میرزا را به ایالت خراسان روانه کرد. که در سال ۱۲۴۰ ق.

دوباره خوانین خراسان به مخالفت با محمدولی میرزا پرداختند، اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر مامور سرکوبی آنان گردید و او پس از جنگ سختی با خوانین؛ فوجان را محاصره و سرانجام خوانین به اطاعت درآمدند. اما اسحاق خان در سال ۱۲۴۱ ق. معمم گردید که هر طور شده شاهزاده

محمدولی میرزا را از حکومت خراسان برکنار نموده و دیگری را به جای وی منصوب نماید. که سپس اسحاق و پسرش به دستور شاهزاده کشته شدند و به جای این که خوانین خراسان ترسیده و از والی تمکین نمایند، از هر سمت شورش های در آن منطقه به راه افتاد در این هنگام شاه ناگزیر محمدولی میرزا اموز و حسنعلی میرزا را به ایالت خراسان منصوب کرد. محمدولی از سال ۱۲۴۲ ق. که عزل شده مدت چهار سال در دیار مشغول به کار شد. سرانجام در سال ۱۲۴۸ ق. به حکومت پرد منسوب و حکومتش تا سال ۱۲۴۳ ق. ادامه داشت پس از آن در سال ۱۲۷۹ ق. به عضویت دارالشورای کبری منصوب شد. و عاقبت در سال ۱۲۸۱ ق. در تهران

در گذشت.

یامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، جلد چهارم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش، چاپ چهارم، ص ۳۳-۳۴. علیقلی میرزا اعضادالدوله: اکسیر التواریخ، به اهتمام جمشید کیا، تهران: انتشارات ویسمن، ۱۳۷۰ ش. ص ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۰. احمد میرزا اعضادالدوله (شاهزاده): تاریخ عضدی، با توضیحات و اضافات عبدالحسین بوابی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۵ ص ۲۲۸

- ۸- مهدی یامداد نوشته چهارمین پسر فتحعلی شاه. یامداد، مهدی: همان، ص ۳۶
- ۹- احمد میرزا اعضادالدوله، همان، ص ۲۴۹. یامداد، مهدی: همان، ص ۳۲۰
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۵۳۷۰، ۲۹۵۰، شماره فیش ۱۰۶۱۰۸۶، محل در آرشیو ۲۹۶ ب الف ۴ و ۱۱ مستوفی، عبدالله، همان، ص ۵۳۳

۱۲- عبدالحسین اورنگ (شیخ الملک) فرزند آقا شیخ عبدالرئوف مازندرانی (فیروزکوهی) در سال ۱۳۰۵ قمری در تهران به دنیا آمد و پس از انجام تحصیلات در سال ۱۳۲۹ قمری به خدمت دولت وارد شد، و در سمت های ذیل بارزسی عدلیه گیلان - رئیس بلدیه تهران - رئیس عدلیه گلپایگان و خوانسار - رئیس عدلیه کرمان - رئیس عدلیه اراک و ملایر و نهاوند - رئیس محکمه جنحه تهران - رئیس استیضاف غرب مدعی العموم استیضاف تهران، رئیس استیضاف شرق - مستشار حقوقی وزارت دارایی - مدعی العموم محاکمات دارایی - و در فاصله بین دوره چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی به سمت معاونت مدعی العموم دیوان عالی کشور بود. همچنین در دوره های هفتم نماینده فومن، دوره هشتم تا سیزدهم نماینده همدان، از دوره پانزدهم تا آخر دوره نوزدهم نماینده بیجار و گروس در مجلس شورای ملی بود. شایان، عباس، مازندران (شرح حال رجال معاصر)، جلد دوم، تهران: چاپخانه ایران، ۱۳۲۷ ش، ص ۵۵-۵۶

- ۱۳- در خاطرات عبدالحسین اورنگ روز جمعه ۱۳ ذیقعد نوشته شده، اورنگ، عبدالحسین: تلگراف اتاریک به مظفرالدین شاه بعد از قتل ناصرالدین شاه، بیضا، سال پنجم، شماره ۸ (آبان ۱۳۳۱ ش)، ص ۳۶۹
- ۱۴- همان، ص ۳۶۹
- ۱۵- مستوفی، عبدالله، همان، ص ۵۳۳
- ۱۶- برای اطلاع بیشتر، ک: اورنگ، عبدالحسین: واقعه قتل ناصرالدین شاه، بیضا، سال پنجم، شماره پنجم، (مردادماه ۱۳۳۱ ش)، ص ۲۰۷، ۲۱۱
- ۱۷- برای اطلاع بیشتر، ک: علی خان ظهیرالدوله: خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات زوین، ۱۳۶۷ ش، ص ۳۵
- ۱۸- محمد حسن میرزا قاجار: به خاک سپردن ناصرالدین شاه، وحید، سال دوم، شماره سوم (اسفندماه ۱۳۴۳ ش)، ص ۲۳

باتشکر از کلیه همکاران که امکان دستیابی به این سند را فراهم آوردند.

